

گفت و گو باید از این کلمه فراتر بگذاریم

گفت و گو با حسین خلفی نورآبادی
دبیر زبان و ادبیات فارسی شهرستان ممسنی

حسین خلفی نورآبادی از زبان خودش

سی‌امین سال زندگی‌ام در حال سپری شدن است. کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر زبان و ادبیات فارسی متوسطه آموزش و پرورش شهرستان ممسنی هستم که ضمن تدریس در آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و مراکز ضمن خدمت، سال‌ها است در حوزه شعر، نویسندگی، روزنامه‌نگاری، پژوهش و مقالات علمی فعالیت دارم و در بسیاری از همایش‌ها و سمینارهای منطقه‌ای، استانی و کشوری حضور فعال و مستمر داشته‌ام که نتیجه آن تقدیر و تجلیل و دریافت بیش از صد و بیست لوح تقدیر بوده است.

معلم موفق چگونه معلمی است؟

معلم موفق کسی است که به معنای واقعی کلمه شایسته‌ عنوان معلمی باشد و با مطالعه علمی و دلسوزی پدرا نه، هر آنچه را در توان دارد، در طبق اخلاص نهد و از هیچ کوششی فروگذار ننماید.

ویژگی‌های بایسته دبیر ادبیات چیست؟

دبیران ادبیات با توجه به گسترده‌گی حوزه‌های ادبیات فارسی به انواع حماسی، عرفانی، غنایی، معاصر، کودک، جهان و ... شایسته است با مطالعه علمی و بی‌دغدغه با انجام دادن کارهای پژوهشی بر غنای فرهنگ و ادبیات سرزمین مادری بیفزایند، نه اینکه تنها به کتاب‌های مدرسه ببندیشند و پا از این گلیم اندک فراتر نهند. ادبیات با دیگر علوم مثل روان‌شناسی تاریخ، اخلاق ارتباط دارد. ضروری است دبیران ادبیات با درک صحیح فلسفه ادبیات و فرهنگ و هنر در تربیت نسل‌های امروز کوشا باشند و تمام این‌ها مسئولیت دست‌اندرکاران را دوچندان می‌کند که با برطرف کردن دغدغه‌های معلمان راه را برای نیل به اهداف

متعالی آموزش و پرورش هموار کنند.

شما چه روش‌هایی بدیعی در تدریس داشته‌اید؟

من شغل معلمی و کار در آموزش و پرورش را بر هر مسئولیتی ترجیح می‌دهم و تا به امروز بر این عقیده پافشاری کرده‌ام. فلسفه تدریس من در مدرسه و دانشگاه و ارتباط با دانش‌آموز و دانشجو بیشتر معرفتی است تا این که بخواهم مفاهیم دیکته شده را در کلاس مطرح کنم. ابتدا سعی می‌کنم در حوزه تدریس چارچوبی کلی برای هر درس فراهم کنم تا دانش‌آموز با علاقه جدی به کار پژوهشی خود به حقیقت مطلب برسد. از طرف دیگر، حقیقتاً با مطالعه دقیق، مباحث اصلی و کلی را مطرح می‌کنم تا چند صفحه درس آن قدر برای دانش‌آموز کوچک شود که با بزرگی تفکر و اندیشه به محتوا و عمق مطلب بنگرد. مثلاً در درس حسنگ وزیر وقتی معلم در ده دقیقه ماجرای کلی کتاب تاریخ بیهقی، را مطرح و از زوایای ناشناخته صحبت کند، که برای دانش‌آموز تازگی دارد، یقین داشته باشید که دانش‌آموز درس را با دقت بیشتری یاد می‌گیرد و تازه به دنبال ماجرا است و سوالاتی را که به ذهنش خطور کرده است، در خارج از اوقات کلاسی از معلم خواهد پرسید. تمام این‌ها به مطالعه عمیق و دقیق معلم برمی‌گردد. نه اینکه معلم بخواهد درس حسنگ را تدریس کند اما خدای ناکرده از تاریخ بیهقی به همان دوران دانشجویی اکتفا کرده باشد و حتی برای یک بار هم که شده، لای کتاب را باز نکرده باشد.

از خاطرات به یادماندنی دوران معلمی خود، نمونه‌ای را ذکر کنید.

در سال اول تدریس در شهرستان یاسوج در یکی از مدارس پیش‌دانشگاهی و دبیرستان دخترانه مشغول به تدریس شدم. به لطف خدا رابطه‌ای عاطفی و معرفتی با دانش‌آموزان داشتم. اما در یکی از کلاس‌های درس سوم دبیرستان رشته ریاضی یکی از دانش‌آموزان بسیار بهانه‌گیر بود. او راجع به وقت امتحان، سؤال‌ها، نمره و ... انتقادهای کلی از معلمان می‌کرد که من هم از این امر مستثنی نبودم. روزی آن قدر بهانه گرفت که از

دستش عصبانی شدم و با تندی با وی برخورد کردم؛ به گونه‌ای که بعد از آن به طور کامل سکوت کرده بود و چیزی نمی‌گفت. در دو ماهه اول سال هر چه تلاش کردم نتوانستم رابطه عاطفی با او برقرار کنم؛ تا اینکه در امتحان مستمر نوبت اول، نمره ممتاز گرفت و از حقیقت شیوه تدریس من بیشتر آگاه شد. در کلاس‌هایم معمولاً چند دقیقه‌ای را به قرائت شعر، داستان و دل‌نوشته‌های دانش‌آموزان اختصاص می‌دادم و همین بهانه‌ای شد تا او هم مانند سایر دانش‌آموزان دل‌نوشته‌هایش را در کلاس بخواند؛ چون نقد آثار در کلاس رواج داشت، خیلی به کلاس علاقه‌مند شد تا اینکه یک روز از بنیاد شهید برای سرکشی فرزندان شهدا در روز تدریس من در مدرسه حضور پیدا کرده بودند. فکر می‌کنم بهمین ماه بود. آن موقع من فهمیدم که او فرزند شهید است و مادرش هم از دواج کرده است و او در شرایط روحی خوبی هم به سر نمی‌برد. خیلی شرمند شدم از اینکه بعد از پنج ماه حضورم در مدرسه، تازه متوجه این موضوع شده‌ام. به نظر من معلم باید با هر دانش‌آموزی با توجه به شرایطش به گونه‌ای برخورد کند که وی را به آینده روشن هدایت کند. این یکی از ماندگارترین خاطرات تدریسم بود که برایم تجربه‌ای شد تا با شناخت دقیق دانش‌آموزان و شرایط خاصشان در پاره‌ای از وقت‌ها چاره‌اندیشی کنم و تصمیم بهتر بگیرم. این باعث شد که در آن سال، با آنکه امتحانات نهایی بود، صددرصد قبولی داشته باشم و این بیشتر از همه چیز مرا خوشحال کرد.

مهم‌ترین شاخصه‌های کتاب‌های درسی چیست؟

پرداختن به انواع ادبیات به خصوص ادبیات معاصر، ادبیات جهان و ... تفکیک موضوع‌ها، آوردن منابع، مطالعه بیشتر برای هر موضوع و ظرفیت بالای موضوع‌های ارائه شده مهم‌ترین محاسن است اما معایب آن به شرح ذیل خلاصه می‌شود: حجم بسیار بالای مطالب درسی به خصوص در دوره پیش‌دانشگاهی، پراکندگی مطالب. بعضی مطالب به گونه‌ای طراحی شده‌اند که جای طرح تا سطح دوره دکترا را دارند اما با توجه به زمان‌بندی و بودجه‌بندی کتاب در سال تحصیلی فرصت انجام کار پژوهشی و علمی را از معلم و متعلم می‌گیرند و تناسب نداشتن مطالب درسی با کتب دانشگاهی. متأسفانه فارغ‌التحصیلان ادبیات بخش مهم و قابل توجهی از عناوین کتب درسی دوره متوسطه را در دانشگاه نمی‌خوانند و این خود ضعف بزرگی برای گروه زبان و ادبیات فارسی است.

نظر تان درباره مجله رشد آموزش و زبان و ادب فارسی چیست؟
حقیقتاً هر شماره‌ای که به دستم برسد در اسرع وقت خط به خط آن را دقیق می‌خوانم. به مقالات علمی آن خیلی علاقه‌مندم؛ زیرا هر مقاله‌ای برای من جرقه‌ای برای ورود به یک طرح پژوهشی است و از اینکه این نشریه تأثیرگذاری زیادی

دارد، خرسندم. اما اگر قسمت‌های متنوع‌تری به مجله اضافه شوند، این تأثیرگذاری بیشتر خواهد شد. همچنین، در صورتی که ویژه‌نامه‌های تخصصی شعر، داستان، اندیشه شاعران و ... ضمیمه مجله باشد، مفیدتر خواهد بود.

یکی از آثار شاخص خود را معرفی کنید.

مقاله «سنت و نوآوری در غزل دهه شصت با تأکید بر آثار و آرای حسین منزوی، خسرو احتشامی، محمدعلی بهمنی و قیصر امین‌پور» در این مقاله، ضمن بررسی جریان‌شناسی غزل از آغاز تا دهه شصت، کلیت غزل دهه شصت، بررسی غزل شخصیت‌های مورد نظر با تکیه بر مفاهیم سنت و نوآوری، صور خیال، زبان، محتوا و اندیشه و تأثیرگذاری غزل دهه شصت بر دهه‌های هفتاد و هشتاد مطرح شده که چکیده آن به شرح زیر است:

غزل دهه شصت نمونه تکامل یافته غزل نو است که با جریان کلی شعر امروز پیوندی نزدیک دارد. شاخص‌ترین چهره‌های این دهه، حسین منزوی، محمدعلی بهمنی، خسرو احتشامی و قیصر امین‌پور می‌باشند. آثار و دیدگاه‌های آن‌ها درباره سنت و نوآوری در غزل دهه شصت را می‌توان در سه محور خلاصه کرد:

۱. محتوای غزل دهه شصت با تکیه بر آثار این شاعران: غزل حسین منزوی روح تغزلی شاعر و من شخصی اوست. در غزل محمدعلی بهمنی من شخصی او پیوندی نزدیک با اجتماع دارد و مفاهیم جنوبی زیست شاعر در غزل او به تصویر کشیده می‌شود. غزل‌های احتشامی تصاویر حسی و نمایشی، عناصر طبیعت و مفاهیم عشایری و بومی و قشقایی را القامی کنند. اما قیصر امین‌پور با تعهد دینی و مذهبی خود مفاهیم شهادت، ایثار، جانبازی را در زبان انسجام یافته نمادین بر پایه زبان امروزی پرداخت می‌کند.

۲. غزل دهه شصت تا به امروز رگه‌های سنتی غزل‌سرایان کهن ادب فارسی را در خود حفظ کرده است و این تأثیر در آثار حسین منزوی و خسرو احتشامی به وضوح دیده می‌شود.

۳. نوآوری‌های خاص این دهه بیشتر در حوزه زبانی و هنجارشنکی است. اما مهم‌ترین نوآوری در غزل دهه شصت در حوزه ترکیب و واژه‌آفرینی، تحول در کوتاه و بلندی مصراع‌ها: تغییر فضا و قطع شاعرانه، نقطه‌چین و لکنت در غزل، رویکرد به فضای دوزبانی و گاه انسجام یافته، کاربرد مفاهیم فولکلور و بومی، به کارگیری اوزان جدید غزلواره، غزل روایی و نمایشی است. این نوآوری‌ها به تأثیر از دهه شصت در دهه‌های هفتاد و هشتاد با شدت بیشتری و به شکلی افراطی سیر کلی غزل این دهه‌ها را با ضعف اندیشه، مفاهیم روزمره و ... روبه رو می‌کند. از این رو، غزل دهه شصت - به هیچ وجه - با غزل دهه‌های بعد از خود قابل مقایسه نیست. غزل دهه شصت از لحاظ اندیشه بسیار عالی و از نظر نوآوری‌های زبان در حد معمول بوده است.